



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defence Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://ipr.isri.ac.ir>

Volume: 12 ; Number: 25



The Intellectual Foundations of "Tolerance" and its Incompatibility With "Revolutionary Zeal"

Mohammad Asgharian Dastenaee,* mahmodreza mohammaddost**

doi: <https://doi.org/10.22034/ipr.2024.448726.2112>

Received: 2024/3/15 ; Accepted: 2024/6/2

(196-219)

Abstract

"Tolerance" is a well-known and common term in the political, social, cultural and religious discourses of today's society. The correct explanation of the relationship between this term and concepts such as zeal in Islam is considered an important and necessary issue; To the extent that this issue is also questioned in the discussions of the Islamic Revolution and its relationship with "revolutionary zeal" is also questioned. From this approach, the following article tries to answer how "tolerance" is compatible or incompatible with "revolutionary zeal". The findings of this research, based on the theory of "political rationality" and with a comparative method, show that there is a conflict between Western tolerance and revolutionary zeal, as well as what is known as tolerance (dreaming and tolerance towards others) with certain limits and loopholes. In the religion of Islam, it is completely different from tolerance and it is even associated with revolutionary zeal; In such a way that establishing tolerance depends on religious and revolutionary zeal.

Keywords: Tolerance, Forbearance, Revolutionary Zeal, Political Rationality, Occident.

*. Assistant Professor, Political Science Department, Farsan Faculty of Arts and Humanities, Shahrekord University, Farsan, Iran (corresponding author), alrahil88@gmail.com.

**.. Assistant Professor of the Department of Islamic Studies, Shahid Chamran Campus, Management of Tehran Province Campuses, Farhangian University, Iran, mohammaddostmr@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

تملیک‌نامه نشریه: <http://ipr.isri.ac.ir>

سال دوازدهم، شماره بیست و پنجم

بنیادهای فکری «تساهل و تسامح» و ناسازواری آن با «غیرت انقلابی»

محمد اصغریان دستنایبی*، محمودرضا محمددوست**

شناسه دیجیتال: <https://doi.org/10.22034/ipr.2024.448726.2112> (DOI)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۳

(۲۱۹-۱۹۶)

چکیده

«تساهل و تسامح» (Tolerance) اصطلاحی نام‌دار و رایج در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی جامعه کنونی است. تبیین صحیح نسبت این اصطلاح با مفاهیمی همچون غیرت در اسلام، مسئله‌ای بایسته و ضروری به‌شمار می‌رود؛ تاجایی که این موضوع در مباحث انقلاب اسلامی نیز استفهام می‌شود و رابطه آن با «غیرت انقلابی» هم مورد پرسش قرار می‌گیرد. از این رهیافت، نوشتار پیش‌رو درصدد پاسخ‌گویی به چگونگی سازواری یا ناسازواری «تساهل و تسامح» با «غیرت انقلابی» است. یافته این پژوهش با محوریت نظریه «عقلانیت سیاسی» و با روش مقایسه‌ای مشعر بر آن است که بین تساهل و تسامح غربی با غیرت انقلابی تنافی وجود داشته و همچنین آنچه تحت عنوان مدارا (حلم و بردباری نسبت به دیگران) با حدود و ثغور مشخص در دین مبین اسلام آمده، با تساهل و تسامح کاملاً فرق داشته و حتی ملازم با غیرت انقلابی است؛ به‌نحوی که برقراری مدارا هم، در گرو غیرت دینی و انقلابی خواهد بود. **واژگان کلیدی:** تساهل و تسامح، مدارا، غیرت انقلابی، عقلانیت سیاسی، غرب.



*. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده هنر و علوم انسانی فارسان، دانشگاه شهرکرد، فارسان، ایران (نویسنده مسئول)، alrahi188@gmail.com.
**. استادیار گروه معارف اسلامی، پردیس شهید چمران، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، mohammaddostmr@gmail.com

مقدمه

بسیاری از اصطلاحات جدید اجتماعی، در مقام کاربرد در جامعه کنونی، دچار یک سلسله آفات و آسیب‌هایی هستند. بدفهمی، تحمیل معنای خودخواسته بر کلمات، استعمال نابجا یا کاربرد جابه‌جای اصطلاحات، همچنین مبهم‌گویی، استخدام الفاظ مشترک و چندپهلوی، استفاده حربه‌انگارانه از واژگان، اصطلاح‌گذاری بی‌رویه، رد و قبول مطلق اصطلاح و اندیشه، سیاست‌زدگی، بازی با کلمات و... از جمله آفاتی هستند که در آثار سیاسی اجتماعی کنونی، رایج است (رشاد، ۱۳۸۲: ۱۳۱)؛ به نحوی که این امور موجب درهم‌آمیختگی معنایی شده و باعث ایجاد شبهه و مزوج شدن حق با باطل گردیده و نهایتاً افراد را دچار اعوجاج فکری می‌کند. بنابراین، استعمال صحیح واژگانی که دارای ابهام معنایی هستند در نگرش و پیش مخاطب، نقش انکارناپذیری دارند (ابوهلال، ۱۴۱۲: ۳۰).

در ادبیات سیاسی و اجتماعی نیز این مسئله وجود دارد که باعث بدفهمی و سوءبرداشت‌ها از این واژگان شده است. مفاهیمی مانند آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، تساهل و تسامح و... از قبیل این موارد هستند. این واژه‌ها معمولاً ذیل عنوان کلی «حقوق بشر» مطرح می‌شوند، درحالی‌که خود این کلمه نیز خالی از ابهام نیست؛ «چراکه انسان‌ها به خودی خود از اشراف و تسلط لازم بر سرچشمه‌های حقوق برخوردار نیستند و تشخیص این‌که حقوق انسان از کجا سرچشمه می‌گیرد شرط لازم تشخیص حقوق است. همچنین، ممکن است انسان‌ها به علت ناآگاهی از همه روابط پنهان و آشکار جهان هستی، وقوع تجاوز به حقوق را نیز درنیابند» (رزاقی، ۱۳۷۸: ۳۷).

«تساهل و تسامح» و «غیرت انقلابی» نیز از واژگان بحث‌برانگیزی هستند که در محافل علمی، اجتماعی و مخصوصاً سیاسی، پرتکرار شده‌اند و اندیشمندان بسیاری به تشریح این واژگان پرداخته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «تسامح در اسلام» (شوقی، ۱۳۸۵)، «تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت ع» (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱)، «غیرتمندی و آسیب‌ها» (ایلخانی، ۱۳۹۱)، «ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب» (آربلاستر، ۱۳۷۶)، «تأثیر اومانیسیم بر بزرگان نهضت پروتستان» (حسنی، ۱۳۹۳)، «دموکراسی قدسی» (رشاد، ۱۳۸۲)، «تساهل و تسامح اخلاقی دینی سیاسی» (فتحعلی، ۱۳۷۹) و

مقالاتی مانند «مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم براساس نظام حق و تکلیف» (جعفری، ۱۳۹۵)، «بحثی در نسبت تساهل و تربیت» (رزاقی، ۱۳۷۸)، «جایگاه تساهل و تسامح در اندیشه سیاسی آیت‌الله سیدعلی حسینی خامنه‌ای» (سلطانی‌وش و زارعی، ۱۳۹۸)، «تأثیر لیبرالیسم بر اندیشه روشنفکری دینی در دهه‌های اخیر در ایران» (حمیدی و احسانی، ۱۴۰۲) و... اشاره کرد. هرچند منابع فوق جزو مرتبط‌ترین مطالب با این نوشتار هستند، در هیچ‌کدام از آن‌ها به‌طور مستقیم به بنیادهای نظری «تساهل و تسامح» و نوع رابطه آن با «غیرت انقلابی» اشاره نشده است و به‌همین دلیل می‌توان مطرح کرد که پژوهش پیش‌رو به‌واسطه ریشه‌یابی بنیادین و مطالب مقایسه‌ای در این مسئله، از نوآوری برخوردار است و ازهمین‌رو به‌دلیل فراوانی استعمال و همچنین کثرت و تنوع نظرات (دارای ضدونقیض) در این باره، لازم است در ابتدای نوشتار به‌طور دقیق معانی و مفاهیم آن بررسی شود.

به نظر می‌رسد گام اصلی در جهت تبیین صحیح بحث تساهل و تسامح، شناخت سرچشمه‌های شکل‌گیری و به‌نوعی جریان‌شناسی آن است. به این دلیل، در این پژوهش به واکاوی ریشه‌های نظری موضوع پرداخته‌ایم تا به‌لحاظ بنیادی و همچنین کاربردی، از نتایج آن بهره‌مند شده و در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان اجتماعی از نتایج آن استفاده شود. بدین سبب، ضمن تحلیل «بنیادهای نظری تساهل و تسامح» ابتدا به تجزیه و تحلیل آن پرداخته و سپس به‌منظور دستیابی به یک الگوی راهبردی، سازواری یا عدم سازواری آن با «غیرت انقلابی» بررسی می‌شود. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش اتکا به راهبردی مؤثر، ذیل «عقلانیت سیاسی» است. از این‌رو، در این مقاله سعی شده برای پاسخ به پرسش اصلی «سازواری یا ناسازواری تساهل و تسامح با غیرت انقلابی»، با فحص منابع گسترده و نگاه جامع به موضوع، دستاوردی نوین و ثمره‌ای کارآمد ارائه شود.

تعریف مفاهیم

- تساهل و تسامح: تساهل و تسامح واژگانی عربی از ریشه «سهل» به معنای آسان‌گیری و عملی است که در آن شدت و تنگی نیست (فیروزآبادی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۱۰۱۷). «سمح» به معنای آسان‌گرفتن یا به معنای جود و سخاوت و بخشش است (زبیدی، ۱۹۹۴، ج ۶:

۴۸۴). البته، بسیاری از لغت‌شناسان، از جمله ابن منظور، تساهل و تسامح را مترادف دانسته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۴۸۹). برخی نیز تساهل و تسامح را به معنای ملامت و چشم‌پوشی معنا کرده‌اند (معلوف، ۱۴۱۵: ۳۴۹).

در اصطلاح هم، تساهل و تسامح به معنای عدم مداخله و ممانعت یا اجازه‌دادن از روی قصد و آگاهی، به اعمال و عقایدی است که مورد پذیرش و پسند شخص نباشد (فتحعلی، ۱۳۷۹: ۱۲)؛ یعنی تساهل و تسامح به این معناست که آدمی از روی آگاهی و اختیار، عقاید و رفتار مخالفان را برتابد و در برابر رفتار آنان ناسازگاری نشان ندهد (خطیبی و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۳).

بنابراین، برای تحقق تساهل و تسامح، شروطی لازم است؛ از جمله اینکه در جامعه، تنوع افکار و تعدد عقاید وجود داشته باشد. پس در جامعه بدون تعدد افکار و تنوع عقاید، تساهل و تسامح مفهومی ندارد. همچنین، باید در جامعه قدرت حاکمی وجود داشته باشد که عقاید مخالف را با سعه صدر و از روی آگاهی و اقتدار تحمل کند. پس تحمل از روی ضعف و ناتوانی و سستی یا از روی بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی و نیز از روی جهل، از قلمرو تساهل و تسامح خارج است (کرنستن، ۱۳۷۶: ۶۳).

- غیرت انقلابی: «غیرت» حالت عاطفی است که هنگام درک لزوم پاسداری و دفاع از کسی یا چیزی که موجب دل‌بستگی است، برانگیخته می‌شود و برابر با حمیت است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۵۲۲۹). «غیرت» از جمله اخلاق حمیده و ملکات فاضله است و آن عبارت است از دگرگونی حالت انسان از حالت عادی و اعتدال، به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش اعم از دین، ناموس یا جاه و امثال آن تجاوز کرده، از جای خود می‌کند؛ و این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی‌بهره نیست. هر انسانی را که فرض کنیم [هر قدر هم که از غیرت بی‌بهره باشد] باز در بعضی از موارد غیرت را از خود بروز می‌دهد؛ پس غیرت یکی از فطریات آدمی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۸۰).

بنابراین، منظور از غیرت دینی آن است که انسان در برابر تخلفاتی که از مسیر حق و عدالت و احکام الهی می‌شود، خاموش نشیند و بی‌تفاوت از کنار آن‌ها نگذرد، بلکه تخلف

هرچه شدیدتر باشد، جوش و خروش او بیشتر شود. کسانی که خونسرد و بی‌رمق، از مقابل این امور می‌گذرند، فاقد غیرت دینی هستند. غیرت دینی، عامل بسیار مهمی برای دفاع از حریم قوانین اسلام و احیای معروف و از میان بردن منکر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۵).

- عقلانیت: واژه عقلانیت که کاربردهای بسیاری داشته و در حوزه‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شود، از «عقل» گرفته شده و در لغت به معنای خردمندی است. عقلانیت در اصطلاح عبارت است از به‌کارگیری روشمند عقل و خرد نظری و عملی در عرصه‌های شناخت و عمل (غلامی، ۱۴۰۲: ۲۵۳).

توضیح این‌که عقلانیت مجموعه‌ی منسجمی از اندیشه‌هاست که در چهارچوب مبانی، اهداف، اصول و راهبردها با یکدیگر پیوند یافته‌اند. این انسجام، هم می‌تواند مراتب گوناگونی داشته باشد و هم می‌تواند از منابع معرفتی گوناگون دینی، تجربی، استدلالی، شهودی و حتی خواسته‌های بشری بهره‌جوید (بحرانی، ۱۴۰۰: ۷۵). به تعبیر دیگر، عقلانیت عبارت است از مجموعه‌ی معیارها و شاخصه‌هایی که عقلانی بودن نظر یا عملی را مشخص می‌کند و وجود آن حاکی از منطقی است که یک سخن یا یک عمل را با معیارهای مشخص توجیه می‌نماید (نجفی و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

در تعریفی ساده از عقلانیت سیاسی نیز می‌توان آن را برخوردی منطقی و بر مدار خرد در مواجهه با رخدادهای حاکمیتی دانست. از این‌رو، عقلانیت سیاسی برخاسته از نوعی «عمل عقلانی و خردمندانه» در سیاست است که سه مؤلفه برای دخالت قید عقلانیت در

عرصه سیاست وجود دارد:

- خودآگاهی سیاسی؛

- تکاپوی فاعل در نشان دادن خلاقیت این خودآگاهی در بستر سیاست‌گذاری؛

- مهیا کردن عرصه‌ای مناسب برای به‌فعلیت‌رساندن خلاقیت‌ها به‌گونه‌ی راهبردی سیاسی

(www.Khawaran.com).

چهارچوب نظری

بررسی مبانی و پشتوانه فکری تساهل و تسامح (پرسش از جهان‌بینی یا مسلک سیاسی)، مهم‌ترین مسئله در این نوشتار است که بنیان اصلی پاسخ آن، به دو نگاه «انقلاب اسلامی» و «جهان غرب»^۱ برمی‌گردد. باتوجه به این واقعیت، آنچه ما را از این بحبوحه و هنگامه نجات می‌دهد و راه نفوذ انحرافات فکری و رفتاری را مسدود می‌سازد، بهره‌گیری از «عقل» و اعتصام به «عقلانیت سیاسی» است.

عقلانیت در اسلام، «عقلانیت سیاسی» است که حق‌مدار، واقع‌گرا و جامع‌نگر است؛ بنابراین، با لیبرالیسم، کثرت‌گرایی و نسبی‌گرایی غربی در تعارض می‌باشد. عقلانیت سیاسی در مفهوم عام به این معناست که سیاست‌های اعمال‌شده یا برنامه‌ریزی‌های سیاسی که در نظر گرفته می‌شود، با عقل و منطق صحیح منطبق باشد. عقلانیت سیاسی مبتنی بر حق و تکلیف، باور مبتنی بر خرد مردم به تعامل سازنده و مفید با زمامدار و جامعه سیاسی در چهارچوب ادای حقوق و ایفای تکالیف است که براساس نگاه راهبردی و آخرت‌بین رخ می‌دهد (جعفری و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۱)؛ و انطباق مواضع سیاسی با قوانین عقل و خرد و کاربرد معیارهای عینی و منطقی در تنظیم روابط و حل مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد (آقابخشی، ۱۳۷۶: ۳۵۶).

بهره‌گیری از «عقلانیت سیاسی» در معادلات اجتماعی، مورد تأکید ویژه امامین انقلاب اسلامی نیز قرار دارد؛ برای نمونه، امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «عقل سیاسی اقتضا می‌کند که ما امروز با آن اشخاصی که در رویه هم حتی با ما مخالفت دارند، لکن در اصل مقصد با ما موافق‌اند... دست از تمام این اختلافات برداریم» (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۴: ۱۹۲).

رهبر معظم انقلاب نیز عقلانیت را نخستین و مهم‌ترین مسئله می‌داند (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۴/۲۹) و دو بُعد اصلی در مکتب امام راحل علیه السلام را بُعد معنویت و عقلانیت معرفی می‌کنند؛ و «گزینش مردم‌سالاری برای نظام سیاسی کشور»، «سرسختی و

۱. منظور از «غرب»، اصطلاحی در علوم سیاسی است که به کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی اطلاق می‌شود که دارای فرهنگ و مبانی فکری و فلسفی خاصی (لیبرال و سکولار) هستند (بابایی، ۱۳۹۱: ۵۶۶). همچنین، «فرهنگ غربی» موجود که منسوب به عصر رنسانس است و نوگرایی‌هایی بر آن گذشته و می‌گذرد، از مقوله فرهنگ غیرالهی یا الحادی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

عدم انعطاف او در مقابله با دشمن مهاجم»، «تزریق روح اعتماد به نفس و خوداتکایی در ملت»، «تدوین قانون اساسی» و... را از مظاهر عقلانیت سیاسی امام خمینی علیه السلام می‌شمارند (همان، ۱۳۹۰/۳/۱۴).

بنابراین، در مطالب این نوشتار، مناسبات تساهل و تسامح از یک سو و غیرت انقلابی از سوی دیگر، با چهارچوب «عقلانیت سیاسی» سنجیده می‌شود.

۱. گفتمان تساهل و تسامح در ساحت فکری غرب

ریشه تساهل و تسامح غربی به «قرون وسطی» برمی‌گردد؛ زمانی که ترجمه کتاب مقدس ممنوع بود و آموزه‌های رایج کلیسا با متون مذهبی و دستاوردهای علمی تطابقی نداشت؛ از این رو، راه برای تحریف مسیحیت باز شد و جمود و خشونت جای پاسخ‌گویی را در کلیسای کاتولیک گرفت (الدر، ۱۳۲۶: ۳۷). این موارد باعث به وجود آمدن جدایی و اعتراض نسبت به کلیسا شد و اعتراض‌های جسته‌وگریخته نهایتاً تبدیل به یک نهضت و قیام عمومی برای تغییر، نوزایی و تجدید حیات علمی و فرهنگی شد که اصلاحات دینی را نیز دربرگرفت و نهایتاً این تغییرات نگرشی و بینشی در غرب باعث توجه بیشتر به انسان و حقوق آن (انسان‌گرایی و اومانیزم) شد و مطالبه آزادی‌های دینی، حکومتی، اقتصادی، اخلاقی و... را در پی داشت که راه را برای کثرت‌گرایی دینی و انفکاک دین از سیاست و حکومت و... باز کرد و سرانجام تسامح در امور گوناگون را خواستار شد. هرچند این رویکرد ابتدا از حوزه دین شروع گردید، در ادامه به حوزه‌های سیاست و اقتصاد و اخلاق و... نیز سرایت کرد.

در مجموع، چند واقعه بزرگ: اکتشافات جدید در دنیا، رنسانس (نوزایی)^۱ و رفورم (اصلاحات)^۲ زمینه آغاز قرون جدید در اروپا و غرب را ایجاد کرد (لاندلن، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶). این عوامل را می‌توان به شناخت جدید از جهان، انسان و دین تعبیر کرد. در واقع، این کلیسای کاتولیک قرون وسطی بود که حکم‌فرمای بدون مخالف بود و در همه امور از سیاست و اقتصاد تا علم و فرهنگ و آموزش و داوری و قضاوت و... دخالت داشت (ویور،

1. Renaissance

2. Reform

۱۳۸۱: ۱۴۸). بنابراین، کلیسا در غرب به یک واحد حکومتی و سیاسی قدرتمند تبدیل شده بود که از عالی‌ترین مرجعیت دینی و معنوی و حتی حکومتی نیز برخوردار بود. از طرف دیگر، اضافه شدن ثروت کلیسا نیز به مرور ایجاد خودکامگی مطلق کرد و انواع فسادهای مالی، اخلاقی و دینی را منجر شد و نفرت و تحقیر مردم نسبت به روحانیان آن کلیسای فاسد، در این جدایی و ازدین‌برگشتگی بزرگ، عامل مهمی بود (دورانت، ۱۳۷۱، بخش اصلاح دینی: ۲۹). همچنین، کم‌توجهی به موضوعات معنوی و نارسایی و نامفهومی مفاهیم دینی و همچنین مخالفت با دانش و دانشمندان و مخصوصاً، خشونت بی‌بدلیل و مثال‌زدنی کلیسا در قالب «دادگاه‌های تفتیش عقاید»، باعث بروز اعتراض‌های گسترده‌ای شد و موقعیتی را به‌وجود آورد که در آن نیاز به اصلاح اساسی در کلیسای کاتولیک آن دوران آشکار شد.

فسادهای «مالی»، «اخلاقی» و «فکری» واژگان و مفاهیم پرتکراری از عملکرد کلیسای کاتولیک و دستگاه پاپی در قرون وسطی هستند که آن دوران را مشهور به «عصر ظلمت» کرد (راسل، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۲) و مصادیق و شواهد بسیاری از آن در منابع متعدد تاریخی بیان شده است.^۱

مجموع این رویدادها موجب بدبینی گسترده و عمیق نسبت به دین و نفرت عمومی از کلیسای کاتولیک شد که موجی از مخالفت‌های فکری و سپس اجتماعی را به همراه داشت و در قالب مکتب اعتراضی پروتستان نمود یافت؛ در نتیجه، توجه به حقوق انسان در برابر حقوق دینی کلیسا، توجه به آزادی در برابر نظام استبدادی فئودالی (ارباب‌رعیتی)، توجه به جدایی بین کلیسا و حکومت و عدم سخت‌گیری‌های دینی در برابر تعصب‌های عقیدتی و علمی و رفتاری و...، فقط گوشه‌ای از اندیشه‌ها و خواسته‌های اجتماعی مردم معترض (پروتستان) در اواخر قرون وسطی را شکل می‌داد.

واکاوی رخدادهای آن زمان و همچنین جست‌وجو در نهضت پروتستان حکایت از آن

۱. ر. ک. «تاریخ تمدن» ویل دورانت، «تاریخ جهان نو» رابرت پالمر، «تاریخ کلیسای کاتولیک» کونگ هانس، «اروپا در قرون وسطی» اندرو لنگی، «سرگذشت اندیشه‌ها» آلفرد وایتهد، «تاریخچه کشمکش عقل و دین» توفیق طویل، «تفتیش عقاید» دهورا بکراش، «مسیحیت از آغاز تا عصر روشنگری» عزت‌الله نودری، «تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس» محمد ایلخانی.

دارد که آن اوضاع کاملاً متأثر از انسان‌محورها و فعالیت‌های آنان بوده است؛ تاجایی که برخی اومانیسم و انسان‌محوری را از ارکان اصلی نوزایی دینی (رنسانس) و از عوامل زمینه‌ساز نهضت اصلاح دینی (رفورم) می‌دانند (هانس، ۱۳۸۴: ۱۸۰)؛ همان‌طور که «مجسمه داوود»، که پیکرتراشی عریان از یک مرد است، سمبل و نماد اعتراضات اصلاحی و انسان‌گرایی عصر رنسانس به‌شمار می‌آید، از این رو، ویژگی‌های اصلی آن دوره، در اصولی چون گرایش به طبیعت، منبع ارزش بودن انسان، آزادی انسان، تجربه‌گرایی و تساهل و تسامح خلاصه می‌شود (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

بنابراین، تساهل و تسامح از نگاه غرب، از ارزش‌های مشخص لیبرالیسم و در اصل، بسط تعهد اساسی لیبرالیسم نسبت به آزادی یا تکمیل آن است (آربلاستر، ۱۳۶۷: ۹۹) و آزادی طبیعی بشر نیز عبارت از این است که از هرگونه قدرت مافوق‌زمینی، رها بوده و تابع اراده و اقتدار قانونی بشر دیگری نباشد؛ بلکه فقط باید از قانون طبیعت پیروی کند (جونز، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۰۱). به همین دلیل است که لیبرالیسم در کنار اومانیسم، مهم‌ترین عامل و زمینه‌ساز پیدایش کثرت‌گرایی دینی (پلورالیسم) و جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) بوده و هدف همه آن‌ها دور داشتن قدرت سیاسی از دست جملگی مراجع دینی و مذهبی است (والزر، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

بنابراین، تساهل و تسامح غربی (تلورانس) اگرچه یک مبحث اصلاحی درون‌دینی و در واکنش به رفتار غلط کلیسای کاتولیک قرون وسطی بوده است، اینک در نظام غرب، آمیخته با اومانیسم، پلورالیسم و لیبرالیسم است، به نحوی که تساهل و تسامح بدون در نظر گرفتن این خصوصیات تصورپذیر نیست.

۲. گفتمان غیرت انقلابی

برای شناخت بهتر وجه تفاوت غیرت انقلابی با تساهل و تسامح نیاز است کاوشی در مبانی نظری انقلاب اسلامی صورت گیرد. در این رهگذر لازم است باورهای اسلامی و انقلابی به‌درستی تبیین شده و نسبت آن‌ها با مفاهیمی مانند تساهل و تسامح به‌روشنی مشخص شود تا وجه تمایز ادبیات روشنفکران با انقلابیون مشخص گردد.

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام، درباره مبانی انقلاب اسلامی ایران می‌فرماید: «آنچه شما ملت شریف و مجاهد برای آن به‌پا خاستید... آن مکتب الوهیت به معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است» (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۲۱: ۴۴۹). بنابراین، «نظام جمهوری اسلامی نشان‌دهنده تحقق اسلام در سطح زندگی یک کشور و نشان‌دهنده تحقق پیشنهاد سیاسی اسلام است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۵/۱۳). از این رو، پابندی انقلاب اسلامی به اسلام و آرمان‌های اسلامی در قانون اساسی این انقلاب نیز متبلور است، به نحوی که در موارد گوناگونی صراحتاً به آن اشاره شده است:

در مقدمه قانون اساسی آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران... انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد... ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است... طرح حکومت اسلامی برپایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد کرد و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت».

۲-۱. انقلابی در امتداد اسلام ناب

انقلاب اسلامی ایران، تحفه‌ای الهی بود که هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام، از هویتی توحیدی، دینی و اسلامی برخوردار بوده است (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۶: ۹۱)؛ بنابراین، برای بررسی مفاهیم این انقلاب لازم است ابتدا به سراغ فرهنگ‌نامه اسلام برویم.

اسلام آخرین دین الهی است که بیان‌کننده کامل‌ترین و جامع‌ترین قوانین برای تأمین سعادت بشر در دنیا و آخرت بوده و در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام، مطالب مستدل و مستند بسیاری درباره جامعیت دین اسلام نقل شده است؛ به نحوی که مهم‌ترین و محوری‌ترین رکن تمدن اسلامی، «فرهنگ متعالی اسلام» به‌شمار می‌رود (اصغریان دستنایی، ۱۳۹۹: ۶).

آنچه از بررسی آیات و روایات به دست می‌آید این است که ماهیت و ذات دین اسلام بر آسان‌گیری امور و تسهیل تکالیف است (بقره، ۱۸۵) و این سهله و سمحه بودن، اصل و جوهر دین اسلام است، نه اینکه عارضی و غیراصلی باشد؛ یعنی مبنای اسلام به عنوان کامل‌ترین و آخرین دین الهی بر این است که بشریت راه هدایت را با سهولت و آسانی طی نمایند و سعادت‌مند شوند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۲۵۸)؛ از این رو، برای دستیابی به ماهیت، پیشینه و خاستگاه مفهوم «تساهل و تسامح» نیز باید ابتدا به منابع دینی اسلام مراجعه کرد.

جایگاه این مطلب در اسلام به گونه‌ای است که حتی با بررسی‌های ابتدایی هم می‌توان به رهیافت‌های مفیدی دست یافت؛ هرچند واژه‌های «تساهل و تسامح» به صراحت در قرآن بیان نشده، با نگاه به کلماتی که قرابت معنایی با این واژه دارند (مانند حلم و مدارا و...) و همچنین بررسی دیگر متون دینی می‌توان فهمید این مبحث، تواتر معنایی در اسلام دارد؛ به این معنا که مفهوم مشترک آن به الفاظ گوناگون و در وقایع مختلف و زیاد به گونه‌ای نقل شده که از این قدر مشترک، علم و یقین حاصل شده است (عاملی، ۱۳۱۵: ۱۸۶).

از طرف دیگر، توصیه به رعایت اخلاق اسلامی و حلم و مدارا نیز، محور بسیاری از دیگر مستندات اسلامی در این باره است که در این خصوص می‌توان به منابع معتبر روایی شیعی رجوع کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۱۷).

خلاصه و نتیجه کلام این است که جوهره دین اسلام از طرفی بر سهولت و آسانی و عدم عسرو حرج و ضرر، و از طرف دیگر بر رعایت مکارم اخلاقی و حلم و مدارا در همه ابعاد، اعم از فردی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی، بنا شده است؛ به نحوی که حتی با ابتدایی‌ترین برخورد منصفانه با اسلام می‌توان به این شاکله اسلامی پی برد. این مطلب مورد توجه بسیاری از اندیشمندان جهان قرار گرفته است، تاجایی که آنچه از روش و سلوک ائمه و مسلمانان در این باره نقل شده، به قدری گسترده و زیاد بوده که فهم آن حتی برای مسلمانان اندیشمند و روشنفکر نیز بسیار سخت و دشوار بوده است (رسولی بیرامی، ۱۳۸۴: ۸۱).

جلوه‌های گوناگونی از این جوهره رحمانی دین اسلام، در تاریخ اسلام و مخصوصاً سیره نبی مکرم اسلام ﷺ تبلور داشته است که تاریخ‌نگاران موارد فراوانی از آن را ثبت و ضبط

کرده‌اند؛^۱ اما اساس و جوهر منش حکومتی و سیاسی اسلام که روشن‌کننده نگاه مدارا از دیدگاه اسلام است را می‌توان در پیمان‌نامه یا منشور سیاسی مدینه یافت که پس از ورود پیامبر به مدینه از سوی ایشان به یهودیان اعطا شد؛ پیمانی که میان اهالی مدینه، اعم از مهاجران و انصار و یهودیان و... در سال اول هجرت بود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۶ به بعد) و قوانین اساسی و مبادی حکومت تازه تأسیس اسلامی را تبیین می‌کرد (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۱۲۷).

مهم‌ترین بند این پیمان که در ابتدای آن ذکر شده، نخستین اعلان «امت واحده» برای مسلمانان بود که در ادامه یهودیان را نیز جزو این امت می‌شمرد: «وَإِنَّ يَهُودَ... أُمَّةً مَعَ الْمُؤْمِنِينَ» (ابن هشام، بی تا، ص ۵۰۳)؛ در این پیمان، یهودیان (غیرمسلمانان) حقوق دینی، سیاسی و فرهنگی مساوی با مسلمانان دارند؛ و با دارا بودن آزادی دینی، مطابق دستورهای دینی خود عمل می‌کنند. «وَإِنَّ يَهُودَ بَنِي عَوْفٍ أُمَّةٌ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ لِيَهُودَ دِينُهُمْ وَلِلْمُسْلِمِينَ دِينُهُمْ مَوَالِيَهُمْ وَ أَنْفُسُهُمْ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ أَتَمَّ فَإِنَّهُ لَا يَتَوَعُّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ؛ وَ إِنَّ لِيَهُودَ بَنِي التَّجَارِ... وَ بَنِي الْحَارِثِ... وَ بَنِي سَاعِدَةَ... وَ بَنِي جُشَمٍ... وَ بَنِي الْأَوْسِ... وَ بَنِي ثَعْلَبَةَ مِثْلَ مَا لِيَهُودَ بَنِي عَوْفٍ» (همان: ۳۵۰)؛ برابری، برادری و آزادی دینی در ذیل حاکمیت قانون و رهبری پیامبر اسلام ﷺ، ارکان اصلی این پیمان‌نامه را تشکیل می‌دهد که مناسبات گوناگون فردی، خانوادگی و قبیله‌ای امت اسلامی را در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی و تعاملات خارجی مشخص می‌کند و در ضمن دلیل روشنی برای نفی نظریه جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) است.

۲-۲. جامعیت مبانی انقلاب اسلامی

هرچند انقلاب اسلامی ایران، نسیم خفیفی در امتداد حکومت نبی مکرم اسلام ﷺ است (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۱۰: ۴۸۶) و ادعای رسیدن به همه آرمان‌های اسلامی را ندارد، باوجوداین همه توان خود را در این راه مصروف داشته که جامعیت دینی اسلام را در ابعاد

۱. جامع‌ترین اثر درباره سیره پیامبر اسلام ﷺ، کتاب «الصحیح من سیره النبی الأعظم»، اثر سیدجعفر مرتضی عاملی در ۳۵ مجلد است.

انقلاب اسلامی ایران در نظر بگیرد و به جوانب گوناگون دینی در این راه توجه داشته باشد. بنابراین، نکته بسیار مهم و بایسته‌ای که بی‌توجهی به آن، همه را به مهلکه و پرتگاه نظری و عملی می‌کشاند، «نگاه حداقلی و تک‌بعدی به دین» است.

توضیح اینکه «اسلام» مکتبی است جامع و واقع‌گرا. در اسلام، به همه جوانب نیازهای انسانی - اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی - توجه شده است (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۶۳) و آنچه از مجموع معارف قرآنی استفاده می‌شود، این است که مطالبه اسلام از مسلمانان، تحقق کامل دین اسلام است. اما دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست. در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حداقلی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ؛ همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را برخلاف هوس‌هایشان بود رها نمودند!)» (حجر: ۹۱) یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ؛ به بعضی ایمان می‌آوریم و بعضی را انکار می‌کنیم» (نساء: ۱۵۰) که مربوط به منافقان است، اشاره به همین است (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). بنابراین، یکی از مهم‌ترین اشتباهات در دین، نگاه حداقلی و تک‌بعدی به دین است که قرآن کریم علت انحراف ادیان گذشته - مخصوصاً یهود و نصاری - را همین مطلب می‌داند و همچنین این رفتار را از خصوصیات منافقین می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۲۵).

اما از آنجاکه همواره افرادی در راه اجرای صحیح و کامل دین می‌ایستند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ» (حج: ۱۱)، لازم است توجه ویژه و جامع به مفاهیم و دستورهای دینی صورت گیرد تا از سقوط به ورطه و لغزشگاه شبهات نجات یابیم. برای اهمیت این مطلب امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «همانا بنی‌امیه آموزش ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند و آموزش شرک را آزاد نگذاشتند تا هرگاه آن‌ها را بر آن (شرک) واداشتند آن را نشناسند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۱۵).

همان‌گونه که اشاره شد، دین اسلام دینی سهله و سمحه است. نخستین صفت اسلام را حنفیت می‌شمارند: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ الْبَيْضَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۹۴) و

باتوجه به معنای «حنیف» که استقامت و راستی و پیمودن راه مستقیم به جای راه انحراف و ضلالت و کجی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۵۷)، می‌توان فهمید که حنفیت دین اسلام همان‌گونه که نشان از استقامت و جامعیت دین و عدم انحراف آن نسبت به یهودیت و مسیحیت دارد، نشان از سهله و سمحه بودن هم دارد.

در مبحث موردنظر - یعنی تساهل و تسامح - هم باید توجه داشت که همه جوانب آن در دین اسلام دیده شود؛ یعنی درست است که ماهیت دین اسلام بر سهولت و آسانی است و بسیاری از متون دینی، مدارا را تأیید می‌کنند و آن را از اصول دین داری می‌شمارند، اما نگاه همه جانبه و کامل به دین اسلام، به ما می‌آموزد که با همه این خصوصیات، منطق و متدولوژی اسلام در این موارد بدون حساب و کتاب و لابشرط نیست؛ مثلاً تنها شرط مدارا از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ آن است که حق ترک نشود؛ کمال عقل پس از ایمان به خدا، مدارا کردن با مردم است به شرط آنکه حق ترك نشود (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲).

بنابراین، در مقوله مدارای در اسلام، نباید دچار افراط و التقاط یا تفریط و تحجر شد، بلکه باید کوشید خط سومی بین التقاط و تحجر باز شود که همان «عقلانیت سیاسی» است. یعنی درست است اسلام اگر لازم شد برای دفاع از حقیقت و عدالت و مقابله با ظلم و ستم دست به مبارزه مشروع و قانونی (جهاد) می‌زند، ولی حتی همین تقدم هم بر پایه مصالح جامعه و مبتنی بر عقلانیت بوده و با خشونت افسارگسیخته حیوانی کاملاً متمایز است (رحیم پور ازغدی، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

اساساً هر پژوهشگری که براساس انصاف در آیین اسلام پژوهش کند، به روشنی درمی‌یابد که تعالیم و قوانین اسلامی به آسان‌گیری بر مردم و تسهیل وظایف آنان گرایشی عظیم دارد و تنها در مواضعی به سختگیری نزدیک می‌شود که ایمان و اخلاق جامعه در معرض تباهی قرار گیرد و مصلحت عمومی به خطر افتد و نرمش و ملایمت نیز چاره‌ساز نباشد، وگرنه روح غالب در آموزش‌ها و دستوره‌های اسلامی به تخفیف و جلب قلوب، معطوف است (گروهی، ۱۳۷۷: ۹۸)؛ به نحوی که علما راجع به علل پیدایش و گسترش تمدن اسلامی دو علت اساسی ذکر کرده‌اند: «نخستین علت تشویق بی‌حدی است که اسلام به تفکر و تعلیم و تعلم کرده است و علت دوم احترامی است که اسلام به عقاید

ملت‌ها گذاشته است. به قول خودشان تسامح و تساهلی که اسلام و مسلمین راجع به عقاید ملت‌های مختلف قائل بودند» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۴: ۳۹۴).

به‌همین دلیل، رهبر معظم انقلاب، بر اسلام جامع و کامل و منطبق بر قرآن، به‌عنوان راه سعادت و خوشبختی انسان تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «اسلامی که قرآن به آن ناطق است، از نماز تا جهاد، از تشکیل خانواده تا جامعه، از مسائل شخصی محض تا مسائل عظیم بین‌المللی، از تعامل برادرانه مسلمین با یکدیگر و تعامل مرّوت‌آمیز با غیرمسلمانان تا برخورد شدید با دشمن مهاجم و از اداره حکومت یک کشور تا اداره اقتصاد یک ملت را شامل می‌شود و گرایش سوسیالیستی شرق سابق و گرایش سرمایه‌داری غرب امروز را ندارد. اسلامی که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی قائم و مروج آن است متکی بر یک سلسله معارف متقن و دارای فلسفه‌ای قوی و استدلال عقلانی بدون خدشه‌ای است که حکومت، اقتصاد، روابط اجتماعی، روابط انسانی و اداره خانواده را دربرمی‌گیرد و برای آن برنامه ارائه می‌دهد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۳/۱۷).

براین اساس، در قانون اساسی انقلاب اسلامی به جوانب گوناگون مباحث سیاسی و اجتماعی و حقوق متناظر به آن پرداخته شده است. در این قانون، از طرفی بر «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» و «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» و از طرف دیگر بر «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب»، تأکید شده است (هاشمیان‌فرد، ۱۳۸۸: ۷۳).

از آنچه در باب انقلاب اسلامی ایران به‌اختصار بیان شد، مشخص می‌شود این انقلاب برگرفته از انقلاب نبی مکرم اسلام ﷺ و در امتداد حرکت دینی انبیا و اولیای معصوم علیهم‌السلام بوده و است. بنابراین، در بیان مفاهیمی مانند «تساهل و تسامح»، «غیرت انقلابی» و... باید با مراجعه به نگاه اسلام ناب و جامع، در مسیر «عقلانیت سیاسی» حرکت کرد و همه راهبردها و راهکارهای پیش‌رو را بر این اساس تدوین کرد.

۳-۲. «غیرت انقلابی»

محمد مهدی نراقی در باب موضوع غیرت دینی می نویسد: مقتضای غیرت و حمیت در دین آن است که در راه حفظ دین، از بدعت بدعت گذاران و خلاف گویی ناحقن و در راه قصاص مرتدان و توهین کنندگان به دین و در راه پاسخ به شبهات منکران دین، جهاد کند و در ترویج دین و انتشار احکام آن تلاش نماید و در راه بیان حلال و حرام دین سعی وافر داشته باشد و در امر به معروف و نهی از منکر مسامحه نکند (نراقی، ۱۱۹۶، ج ۱: ۳۰۲).

بنابراین، سازش و معامله بر سر دین و کوتاه آمدن از اصول، ارزش‌ها و مبانی دینی، نقطه مقابل غیرت دینی است که به غلط از آن با عنوان «تساهل و تسامح دینی» یاد می‌شود، در حالی که باید آن را «مداهنه» نامید (اکبری، ۱۳۹۰: ۵۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ایاکم و التّهائون بامر الله فإنّ من تهأون بامر الله أهانته الله يوم القيامة؛ مراقب باشید که در اجرای فرمان خداوند سستی نکنید که هرکس در اجرای فرمان خداوند، سستی ورزد، خداوند در روز قیامت او را خوار می‌گرداند» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۹۶).

حاصل سخن اینکه وقتی انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب دینی و در امتداد حرکت توحیدی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، در نتیجه یکی از نشانه‌های دین داری و دین باوری، دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌شود و کسی که انقلاب اسلامی ایران را پذیرا باشد نمی‌تواند در برابر تهاجم به ارزش‌های دینی بی تفاوت و سست شود. از این روحیه به «غیرت انقلابی» تعبیر می‌شود.

«غیرت انقلابی» یعنی اهتمام مستمر و خستگی ناپذیر در راه آرمان‌ها و معارف انقلاب اسلامی ایران. مجاهدتی که عرصه‌های گوناگون جامعه اسلامی را دربر گرفته و در لوای رهبری ولی فقیه، تا دستیابی به هدف عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی، یعنی ظهور حضرت حجت (عج) ادامه دارد؛ به نحوی که در راه دفاع از این عقیده و آرمان، از بذل جان و مال و آبرو دریغ نمی‌شود.

خداوند متعال درباره افراد غیرتمندی که در راه دفاع از دین به پا می‌خیزند، می‌فرماید:
 «لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَّمتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی

دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هرکه خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منت‌های اقتدار و توانایی است» (حج: ۴۰).

۴-۲. آسیب‌شناسی انقلاب

یکی از خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند و می‌تواند به آن آسیب برساند، ارتجاع به ارزش‌ها و سنت‌های جاهلی قبل از انقلاب است؛ ارتجاع یعنی حرکتی که این انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت می‌کردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند؛ این ارتجاع است؛ ارتجاع یعنی برگشت (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹). مرتجعین، جاهلانه یا مغرضانه ارزش‌های دینی و انقلابی را نادیده گرفته و در اجرای شعائر انقلابی سهل‌انگاری می‌کنند؛ مانند اصلاح‌طلبان افراطی که با نگاه نسبی‌گرایانه و پلورالی از تساهل و تسامح، تفکر و گرایش را در جامعه گسترش دادند که رنگ‌وبوی گذر از عقاید، مقدسات و مرزهای نظام اسلامی داشت (دارابی، ۱۳۸۸: ۲۸۱). این افراد با مطرح کردن این‌گونه مباحث، ضمن نگاه غربی به مسئله تساهل و تسامح، دنبال ارتجاع و مبارزه با «غیرت انقلابی» در ایران اسلامی هستند.

پذیرش مطلق تساهل و تسامح از سوی برخی روشنفکران، برداشتی انحرافی و متأثر از تفکر غربی است. طرح مسئله تساهل و تسامح برای کشاندن جامعه به سوی نظام‌های لیبرالی است؛ زیرا تحقق ارزش لیبرالی در جامعه منوط به تحقق پایه‌های اصلی لیبرالیسم، یعنی فردگرایی و پلورالیسم، است. جامعه متساهل، جامعه‌ای لیبرال است و بدون وجود بستر مناسب، تساهل ورزیدن به معنای فوق، با موانع بازدارنده روبه‌رو خواهد شد و این‌که هواداران وطنی تساهل، بر گسترش افکار پلورالیستی و سکولاریستی تأکید می‌ورزند، می‌تواند به عنوان تمهید مقدمات لازم برای برپایی جامعه لیبرال تلقی شود. نسبت خویشاوندی بین تساهل و لیبرالیسم به حدی است که تعریف هر یک را با اندک تغییری به‌جای هم می‌توان به‌کار برد (رزاقی، ۱۳۷۸: ۳۶).

رهبری در تبیین برداشت روشنفکرانه‌ای که اسلام را دین تساهل مطلق معرفی می‌کند

فرموده‌اند: «کج فهمانی که فریفته یا دست‌نشانده فرهنگ غربی هستند، اسلام را به‌عنوان دین تساهل مطلق ترویج می‌کنند و مدعی هستند که با تساهل باید از بد معرفی شدن اسلام در برابر سران فرهنگ مهاجم غرب جلوگیری شود. آنان تحت عنوان روشنفکری و تساهل، مایل نیستند که به هیچ‌یک از تعهدات و احکام اسلامی عمل شود. آنان از جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، جزای اسلامی، حجاب اسلامی و حکومت اسلامی روی‌گردان هستند و آن را موجب بد معرفی شدن اسلام، نزد اربابان غرب خود می‌دانند» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۳/۱۷).

درواقع، در نگرش غربی مادی‌گرا، تساهل و مدارا در مورد مسائل مربوط به قدرت، ثروت و سیاست جایی ندارد و در این‌گونه موارد با کمال خشونت و قدرت رفتار می‌شود؛ اما در باب فرهنگ و عقیده و اخلاق و رفتار تاجایی که به منافع اقتصادی و سیاسی مربوط نشود، نوعی بی‌اعتنایی، تساهل و عدم موضع‌گیری وجود دارد، درحالی‌که اسلام به‌علت حساسیت کامل به سرنوشت انسان و جامعه، بی‌اعتنایی و بی‌مسئولیتی در قبال مسائل فرهنگی و عقیدتی را به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرد (همان، ۱۳۷۹/۹/۱۹).

چگونه ممکن است اجتماعی یافت شود که خشم کردن و تغییر در مقابل کسانی که مقدسات جامعه را هتک می‌کنند و حقوق مردم را می‌بلعند، واجب نداند و رسماً حکم کند که خشم لازم نیست؟! هیچ اجتماعی چنین یافت نخواهد شد، بلکه هر اجتماعی که باشد خشم گرفتن بر آن‌گونه افراد را واجب می‌داند و این همان غیرت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۷۲).

این‌گونه اتهامات فقط مربوط به جمهوری اسلامی نبوده است؛ بلکه هرکس در راه مبارزه با طاغوت و استکبار به‌پا خاسته، مورد هجمه دشمن و منافقان قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از آشکارترین این افراد است. ایشان با آنکه تمام وجود خویش را وقف اسلام کردند، به‌نحوی که عامل شهادت ایشان را صلابت و شدت در انجام عدالت می‌شمارند، با وجود این با هجمه «خشونت‌گرا بودن» مواجه شدند! خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله در پاسخ به این هجمه در وصف این حالت حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «فَإِنَّهُ حَشِيئٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ»؛ ایشان درباره خدا (و آنچه مربوط به خداوند است) سختگیر است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۱۷۳).

در حقیقت، وقتی دشمنان انقلاب اسلامی، سیاست اندلسی کردن ایران را دارند و آشکارا درصدد براندازی این نظام انقلابی برآمده‌اند، امت انقلابی ایران نیز باید با «غیرت انقلابی» در برابر حمله همه‌جانبه دشمنان بایستند؛ «باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنت‌ها، فرهنگ و ارزش‌های شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۲/۶). به تعبیر دیگر، در رعایت عملی اهداف و اصول تغییرناپذیر انقلاب، هیچ‌گونه تسامحی راه ندارد، بلکه تسامح و سعه‌صدر در غیر این امور است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۳۹۷).

بنابراین، همان‌گونه که مواردی مانند جهاد و قصاص و امر به معروف و ... در اسلام با مدارای مدنظر اسلام، تنافی ندارند و با نگاه جامع به دین مبین اسلام، فلسفه وجودی همه این موارد قابل فهم و درک است؛ همچنین «غیرت انقلابی» هم نه تنها هیچ‌گونه تضادی با مفاهیم دینی و انقلابی ما ندارد، خود ضامن بقای اسلام و انقلاب اسلامی در عصر کنونی می‌باشد. همان‌گونه که در حدیث شریف امام معصوم علیه السلام گذشت، تداوم احکام و فرامین الهی و حتی اصل دیانت مردم در گرو حمایت، حمیت و غیرتمندی دینی و انقلابی است. به همین دلیل است که امام راحل علیه السلام، ماندگاری و استمرار اسلام ناب محمدی را در گرو حمایت از انقلاب اسلامی می‌داند، که آن هم در گرو داشتن «غیرت انقلابی» می‌باشد؛ و به همین دلیل است که ایشان در وصیت‌نامه خویش به ملت شریف ایران می‌فرمایند: «من در میان شما باشم یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج ۲۱: ۹۳). همچنین، تأکید رهبر معظم انقلاب هم در همین راستاست که فرمودند: «بزرگ‌ترین نعمت خدا وجود این نظام است و بزرگ‌ترین معروف، دفاع از این نظام است» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۶/۱۵).

جمع‌بندی

استنتاج مطالعه در حوزه تساهل و تسامح در مقایسه با غیرت انقلابی را می‌توان در موارد زیر مشاهده کرد:

جدول مقایسه‌ای فرق بین تساهل و تسامح از دیدگاه غرب و اسلام (مدارا)	خاستگاه	بنیان‌ها
تساهل و تسامح غربی	اعتراض گسترده نسبت به اختناق دینی کلیسای کاتولیک در قرون وسطی	اومانیزم سکولاریسم پلورالیسم لیبرالیسم شکاکیت
مدارای اسلامی	ماهیت و ذات فرهنگ متعالی اسلام	فرهنگ متعالی اسلام جامعیت دین اسلام رحمت و اسعه خداوند منزلت و حقوق انسان

۱. باتوجه به اختلاف مبنایی و مفهومی بین تساهل و تسامح در فرهنگ غرب و مفاهیم شبیه آن در اسلام، لازم است برای جلوگیری از مغالطه و ایجاد شبهه و سوء برداشت، مقصود گوینده در هنگام کاربرد این واژه (از نظر غربی یا اسلامی بودن) به طور شفاف مشخص باشد؛ اما باتوجه به اینکه در ادبیات کنونی جامعه ما، تبادر به ذهن مخاطب در هنگام استفاده از این واژه، معنای غربی و لیبرالی آن است، بایسته است واژه‌هایی که محتوای اسلامی را به ذهن می‌رسانند به کارگیری شود. بنابراین، به نظر می‌رسد استفاده از واژه‌هایی مانند «مدارا» در اینجا ضروری می‌باشد.

۲. باتوجه به اینکه تساهل و تسامح بدون قید و حدود، امکان وقوعی ندارد، غرب محدوده تساهل و تسامح را جایی می‌داند که آزادی دیگران محدود نشود؛ ولی در اسلام «عقلانیت سیاسی» حکم می‌کند که ضمن رعایت حقوق همه افراد (اعم از حیات، آزادی، کرامت، عدالت و...)، همه جوانب و محدوده مدارا هم مشخص باشد، به نحوی که ظلم، توطئه، خیانت، اباحه‌گری و مدهانه رخ ندهد و اصول دیگر دینی مانند جهاد و قصاص و امر به معروف و نهی از منکر و... تعطیل نشود. علاوه بر این در اسلام، علت فرمان‌های گوناگون مانند جهاد و قصاص و... نیز کاملاً مشخص است و همه این‌ها نیز، حکمت‌هایی مانند پیشگیری از جرم، امنیت و عدالت اجتماعی و... را دارا هستند.

۳. همچنین، طبق «عقلانیت سیاسی»، هیچ‌گونه سازواری بین «تساهل و تسامح» با «غیرت انقلابی» وجود نخواهد داشت و این دو (به دلیل مبانی پیش گفته)، در دین مبین اسلام دارای تنافی و ناسازواری بوده و قابل جمع نیستند؛ اما «مدارا»ی اسلامی که حدود و ثغور، تقدم و تأخر، حاکمیت و اولویت آن کاملاً مشخص است، در سازواری و هماهنگی با «غیرت انقلابی» می‌باشد و حتی می‌توان گفت که برقراری مدارا هم، در گرو غیرت دینی و انقلابی است که حاضر به دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های دینی می‌باشد؛ یعنی «غیرت انقلابی» ضامن بقای اسلام و انقلاب اسلامی و همهٔ زیرمجموعه‌های فرهنگی و اجتماعی آن (مانند مدارا و...) می‌باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. قم، جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت، دار الصادر.
- ابن هشام، عبدالملک (بی تا). السیره النبویه. بیروت، دارالمعرفه.
- ابوهلال، حسن بن عبدالله عسکری (۱۴۱۲ق). الفروق اللغویه. قم، نشر اسلامی.
- احسانی، سعید، و حمیدی، کامبیز (۱۴۰۲). تاثیر لیبرالیسم بر اندیشه روشنفکری دینی در دهه های اخیر در ایران. مطالعات مدیریت و حسابداری، ۹(۴۰)، ۱۳۸-۱۳۰.
- اصغریان دستنایی، محمد (۱۳۹۹). عصر طلایی. قم، نسیم حیات.
- اکبری، محمود (۱۳۹۰). غیرتمندی و آسیب‌ها. قم، فتیان.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.
- ایلخانی، محمد (۱۳۹۱). تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس. تهران، سمت.
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷). ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب. (مخبر، مترجم). تهران، نشر مرکز.
- آقابخشی، علی (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- بابایی، پرویز (۱۳۹۱). فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی. تهران، نگاه.
- بحرانی، عطیه، و فروتنی، زهرا (۱۴۰۰). عقلانیت سیاسی - اجتماعی از دیدگاه امام خامنه‌ای. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۹(۱۹)، ۱۰۸-۷۲.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق). المحاسن. قم، دار الکتب الاسلامیه.
- بکراش، دبور (۱۳۹۴). تفتیش عقاید. (حقیقت‌خواه، مترجم). تهران، ققنوس.
- بیانات آیت اله خامنه‌ای، دسترسی در <http://farsi.khamenei.ir>
- پالمر، رابرت روزول (۱۳۸۶). تاریخ جهان نو. (طاهری، مترجم). ششم، تهران، امیرکبیر.
- پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، قانون اساسی. <https://www.shora-gc.ir/>
- جعفری، رضا (۱۳۹۵). مؤلفه‌های عقلانیت سیاسی مردم بر اساس نظام حق و تکلیف در نهج البلاغه. پژوهشنامه نهج البلاغه، ۵(۱۷)، ۹۳-۷۵.
- جونز، ویلیام تامس (۱۳۵۸). خداوندان اندیشه سیاسی. (رامین، مترجم). تهران، امیرکبیر.
- حسنی، سید علی (۱۳۹۳). تأثیر اومانیزم بر بزرگان نهضت پرورستان. قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خطیبی، محمد و دیگران (۱۳۸۶). فرهنگ شیعه. قم، زمزم هدایت.
- دارابی، علی (۱۳۸۸). جریان شناسی سیاسی در ایران. تهران، فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- الدر، جان (۱۳۲۶). تاریخ اصلاحات کلیسا. تهران، نورجهان.
- دورانت، ویل (۱۳۷۱). تاریخ تمدن. (بدره ای و دیگران، مترجمان). تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- راسل، برتراند (۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب. (دریابندری، مترجم). تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن (۱۳۷۹). اجتهاد، شهید نبرد تحجر و التقاط. فصلنامه کتاب نقد، (۱۴ و ۱۵)، ۲۶۱-۲۳۸.
- رزاقی، هادی (۱۳۷۸). اگر دیوارها فرو ریزند، بحثی در نسبت تساهل و تربیت. معرفت، (۳۲) ۸، ۴۴-۳۵.
- رسولی بیرامی، ناصر (۱۳۸۴). مسیر تمدن مسیر انحطاط. تهران، بهجت.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲). دموکراسی قدسی. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زبیدی، مرتضی (۱۹۹۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، دارالفکر.
- سلطانی وش، علی، و زارعی، مجتبی (۱۳۹۸). جایگاه تساهل و تسامح در اندیشه سیاسی آیت الله سید علی حسینی خامنه‌ای. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳(۷۸)، ۶۴-۴۱.
- شوقی، ابوخلیل (۱۳۸۵). تسامح در اسلام. (سید رضا حسینی امین، مترجم). تهران، سرایی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم، موسسه آل البیت.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (موسوی همدانی، مترجم). قم، انتشارات اسلامی.
- عاملی، جعفر مرتضی (۱۳۸۵). الصحيح من سیره النبی. قم، دارالحدیث.
- عاملی، حسن بن شهید ثانی (۱۳۱۵ق). معالم الاصول. (طه نجفی، تعلیق). بی‌جا.
- عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱). تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام. قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- غلامی، رضا (۱۴۰۲). نگرشی نو به نظام عقلانیت سیاسی اسلامی. علوم سیاسی، (۱۰۱) ۲۶، ۲۸۳-۲۴۹.
- فتحعلی، محمود (۱۳۷۹). تساهل و تسامح اخلاقی دینی سیاسی. قم، کتاب طه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۶ق). القاموس المحیط. بیروت، الرساله للطباعة والنشر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۳). تفسیر الصافی. تهران، مکتبه الصدر.

کرنستن، موریس (۱۳۷۶). تساهل و تسامح. (حنایی کاشانی، مترجم). نامه فرهنگ، (۲۸)، ۶۲-۷۰.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
گروهی، موسسه فرهنگی اندیشه معاصر (۱۳۷۷). تسامح آری یا نه؟. قم، خرم.
لاندلن، شارل دو (۱۳۸۲). تاریخ جهانی. (بهمنش، مترجم). نهم، تهران، دانشگاه تهران.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران، بین الملل.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار شهید مطهری. تهران، صدرا.
معلوف، لویس (۱۴۱۵ق). المنجد فی اللغة. بیروت، دارالمشرق.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۳). صحیفه نور. تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
نجفی، موسی، و غلامی، رضا (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی و نقش محوری آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تأکید بر دکتربین امامت. مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۵ (۵۵)، ۱۴۰-۱۲۱.
نراقی، ملا محمد مهدی (۱۱۹۶ق). جامع السعادات. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
واقفی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). المغازی. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
والزر، مایکل (۱۳۸۳). در باب مدارا. (نجفی، مترجم). تهران، شیرازه.
وایتهد، آلفرد نورث (۱۳۸۷). سرگذشت اندیشه‌ها. (گواهی، مترجم). تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ویور، مری جو (۱۳۸۱). درآمدی بر مسیحیت. قم، ادیان و مذاهب.
هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۸۸). امنیت در اسلام. تهران، دانشگاه عالی دفاع.
هانس، کونگ (۱۳۸۴). تاریخ کلیسای کاتولیک. (قنبری، مترجم). قم، ادیان و مذاهب.